

متن پرسش

با سلام استاد طاهرزاده: خواستم نظر حضرتعالی رو هم بدونم با تشکر. آینده حکومت دینی در جدال پیش‌بینی‌ها - در حاشیه پیش‌بینی آقای دکتر رنانی درباره سقوط حکومت دینی در فاصله پنج تا ده سال آینده ۱۰۰ پیش‌بینی دکتر رنانی درباره حکومت دینی. آقای دکتر محسن رنانی هرازگاهی پیش‌بینی‌هایی را به عمل می‌آورد که قرین تحقق واقع شده است. پیش‌بینی اخیر ایشان این است که حکومت دینی بین پنج سال تا ده سال دیگر یا سقوط می‌کند یا سر عقل می‌آید. بیان ایشان از این قرار است: «فقط اندکی عقل سلیم لازم است که حضرات بفهمند نباید به جنگ ریاضیات بروند: نسل اولشان که اگر حالا بودند ۱۰۰ تا ۱۲۵ ساله بودند که همه رفته‌اند؛ نسل دومشان که حالا ۷۵ تا ۱۰۰ ساله‌اند چقدر دیگر فرصت دارند؟ ۵ تا ده سال دیگر بیشترشان نیستند؛ نسل سومشان که ۵۰ تا ۷۵ ساله‌اند، اکثریت‌شان یا توأب‌اند یا اخراجی. تعداد کمی‌شان به زور رانت هنوز حامی مانده‌اند. این‌ها هم دیگر از رده خارجند. نسل چهارم یعنی ۲۵ تا ۵۰ ساله‌ها «اکثریت‌شان» یکی از این‌هاست: یا منتقد یا معترض یا مخالف یا معارض. نسل زیر ۲۵ سال را هم که خدا برکتشان بدهد؛ تنها نامی که برازنده آنهاست «نسل عصیان» است. اما جذابیت مساله این جاست: نسل‌های یک تا ۵۰ سال، سالی یک میلیون و صد هزار نفر به جمعیتشان افزوده می‌شود؛ و نسل‌های ۵۰ تا ۱۰۰ سال، سالی ۶۰۰ هزار نفرشان کم می‌شود. به زودی ترازوی نسل‌ها از ناترازی سرنگون می‌شود. ترازوی اقتصاد و فرهنگ و سیاست و فناوری هم از سال‌ها پیش دارد به نفع نسل نو کفه عوض می‌کند. همه این تحولات در بدبینانه‌ترین حالت در زیر ده سال رخ خواهد داد؛ اما شهود من می‌گوید برای پنج سال هم انرژی ندارند که با همین روش ادامه بدهند، یا سرعقل می‌آیند یا فرومی‌ریزند». ۲۰۰ مبنای پیش‌بینی آقای دکتر رنانی پیش‌بینی آقای دکتر رنانی مبنی بر این که حکومت دینی ظرف پنج تا ده سال دیگر سقوط می‌کند یا سر عقل می‌آید، مبتنی بر این استدلال است که حکومت دینی یک حکومتی ایدئولوژیک است؛ یعنی به جای تکیه بر آخرین دانش‌ها و تجربیات آکادمیک به میراث دینی کهنه و فرسوده قرون گذشته تکیه زده است و شناخت‌ها و ارزش‌هایش را به جای این که از دنیای مدرن بگیرد، از دنیای کهن گرفته است. بیان ایشان چنین است: «نمی‌دانم چرا متوجه نمی‌شوند! چهل سال است دارند دانشگاه ایدئولوژیک درست می‌کنند آخرش چه شد؟ آیا موفق شدند؟ فقط باختند. حالا می‌خواهند نسخه کاریکاتوری همان چهل سال پیش را تکرار کنند؛ اما با کدام دانش با کدام منابع با کدام مشروعیت با کدام فرصت؟ شک نیست که خطا می‌کنند، شک نیست که این جا هم می‌بازند. در سال ۱۳۹۴ در مناظره‌ای در شبکه چهار سیما، به فرد مقابلم که می‌گفت «تا حالا نتوانسته‌ایم؛ چون الگو

نداشته‌ایم»، گفتم که اگر در چهار دهه گذشته نتوانسته‌اید، دیگر نمی‌توانید؛ چون دیگر منابع ندارید. حالا می‌گویم منابع هم که داشته باشند، دیگر نمی‌توانند چون به قول انیشتین «همان اندیشه‌ای که بحران‌های امروز را ایجاد کرده است، نمی‌تواند آنها را حل کند.» اینان به خاطر نداشتن اندیشه‌ای منسجم و سازگار با دنیای نو، بیشتر پروژه‌های حیثیتی‌شان یک‌به‌یک شکست خورده است؛ و حالا دوباره رفته‌اند سرخط تا از نو شروع کنند؛ اما یادشان نیست که هم پیر شده‌اند، هم نخبه‌اندیشمند ندارند که برایشان فکر کند، هم چاه‌های نفت خالی است، هم فساد تا سراپرده‌شان پیش رفته است، هم منابع آبی کشور نابود شده است، هم بحران پشت بحران در راه است، و هم نسل نو در پشت سر آنها نیست تا در این ناداری و نادانی حمایت‌شان کند». ۳ نگاه حاکمیت نسبت به آینده حکومت دینی حاکمیت بر این عقیده جازم است که در زمانه حاضر وعده آخرالزمانی ظهور امام زمان و حکومت جهانی او محقق خواهد شد؛ به این نشانه که کشور کمونیستی شوروی از هم پاشید و شماری از حکومت‌های عربی سرنگون شدند و آمریکا از کشورهای افغانستان و عراق بیرون رفت. به نظر حاکمیت، این دگرگونی‌ها همگی حاکی از شکست مکاتب بشری کمونیسم و لیبرالیسم و قدرت گرفتن اسلام است. پیش بینی حاکمیت این بوده است که اسرائیل و آمریکا به زودی شکست خواهند خورد و کشور ایران در قطب کشورهای جهان واقع خواهد شد. به همین رو، علیرغم این که کشور گرفتار مصیبت‌های تورم بی‌سابقه و تحریم جهانی و فقر و بیکاری و کاهش نفت و آب کشور واقع است، حاکمیت از قریب الوقوع بودن پیروزی خبر می‌دهد. منتها مستند حاکمیت بیش از آن که بر دستاوردهای علمی استوار باشد، بر میراث دینی آخرالزمانی استوار است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور که به خوبی نبض فکری جریان را که امثال آقای رنای نیز منسوب به آن هستند را تشخیص داده‌اید؛ می‌یابیم اینان خود را در تاریخی احساس می‌کنند که ابداً تاریخی نیست که با انقلاب اسلامی شروع شده و با روح حماسی شهدای بزرگ ادامه یافته. تاریخ روشنفکری غرب‌زده هر روز خود را با بحرانی روبه‌رو می‌بیند که حاصل دیروز و امروز و فردای افکار خودشان است و اتفاقاً آقای رنای نمونه خوبی از جریان بی‌هویتی جبهه روشنفکری است. ملاحظه کنید بی‌تاریخی، انسان را تا کجا از متن واقعیت اصیل جدا می‌کند و دچار توهمات می‌نماید. اینان مصداق همان‌هایی می‌باشند که حضرت امام فرمودند یک شبه کشور را تقدیم آمریکا می‌کردند و از عظمت انقلاب اسلامی همین بس که با سعه معنوی خود، امکان سخنانی این‌چنین را به این افراد می‌دهد. موفق باشید